بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم

 اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

 از جمله مسائلی که آقایان فقها در مسائل مربوط به قرائت عنوان دارند این مسئلۀ وقف به حرکت و وصل به سکون که بعضی فتوا دارند بعضی احتیاط واجب دارند که این در قرائت عملی نشود یعنی در وقف به حرکت نشود یعنی وصل به سکون هم نباشد گاهی انسان کلمه ای را به کلمۀ بعدی وصل می‌کند متصل می‌کند گاهی می‌بُرد کلمه ای را از کلمۀ دیگر قطع می‌کند مثلا اِیَّاکَ نَعبُد گاهی متصل می‌کنیم به جملۀ بعدیش میگیم اِیَّاکَ نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ چون دال نَعبُدُ را با واو بعدی متصل می‌کنیم اِیَّاکَ نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این را می‌گویند وصل به حرکت این درسته وصل به حرکت درسته یعنی ما دال را متصل می‌کنیم به واو و دال را حرکت می‌دهیم یعنی اون ضمّه ای که روی داله میگیم حرکت میگیم نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ که اینجا وصل به حرکته خب این درسته و گاهی وقف به سکون می‌کنیم میگیم اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ خب این هم درسته وقفه به سکونه دیگه یعنی دال را ساکن کردیم و توقف کردیم بُریدیم از کلمۀ بعدیش این هم درسته اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این دو جورش درسته یکی وصل به حرکت و یکی وقف به سکون این هر دوش درسته اِیَّاکَ نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ درسته اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این هم درسته اما دو جورش محل اشکاله اون جایی که وصل به سکون باشه یا وقف به حرکت میگیم اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این وصل به سکون شده یعنی دال را ساکن کرده ایم و در عین حال متصل کرده ایم به واو بعدی دیگه اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این وصل به سکونه اشکال می‌کنند یا اینکه وقف به حرکت اِیَّاکَ نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ توقف کردیم دیگه اِیَّاکَ نَعبُدُ توقف کردیم این بعد گفته ایم وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این هم وقف به حرکته یعنی توقف کرده ایم در نَعبُدُ در حالتی که به دال نَعبُدُ حرکت داده ایم ضمه داده ایم این دو صورتش محل اشکاله اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این محل اشکاله اِیَّاکَ نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این هم محل اشکاله پس این دو صورتش احتیاط در اینه که انسان مراعات کنه که اینجور نگه اون دو صورت قبلی درسته دو صورت اولی که عرض شد اِیَّاکَ نَعبُد وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این درسته اِیَّاکَ نَعبُدُ وَ اِیَّاکَ نَستَعِینَ این هم درسته غالبا رعایت نمیشه مخصوصا در همزۀ أَنعَمتَ عَلَیهِم شنیده می‌شود گاهی إهدِنَا الصِّراطَ المُستَقِیم صِرَاطَ الَّذِینَ أَنعَمتَ عَلَیهِم چون تند میگن این همزۀ أَنعَمتَ عَلَیهِم در این وسط میفته و حال اینکه به قول آقایان همزه همزۀ قطع است و باید گفته بشه صِرَاطَ الَّذِینَ أَنعَمتَ عَلَیهِم این أَنعَمتَ عَلَیهِم همزۀ باید أَنعَمتَ ظاهر بشه و یکی هم میگفت ما شنیده ایم که گفته اند اگر بگیم مَالِکِ یومِ الدِّینَ این غلطه باید بگیم مَالِکِ یَوْمِ الدِّین که این موقع گفتن یَوْمِ این فتحه ظاهر بشه خب این حالا اشکالی نیست اونی که غلط هست یعنی ضمه را اشباع کنند خب بله غلطه مثلا مَالِکِ یومِ الدِّینَ خب کسی بگه غلطه اما مَالِکِ یَوْمِ الدِّین یا مَالِکِ یُومِ الدِّین درسته اشکالی درش نیست حتما واجب نیست که اون فتحه خوب ظاهر بشود درسته ولی در عین حال یک اماله ای هست مَالِکِ یَوْمِ الدِّین خب این درسته مَالِکِ یُومِ الدِّین این هم درسته یوم که نگفتیم اگر یوم بگیم غلطه خیلی هست از این کلمات مثلا لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر میگه حتما باید بگیم لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر خب این خوب هست اما نه اینکه اینجور نگفتیم غلط میشه لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر اگر گفته بودیم لیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر خب بله این غلطه گفتیم لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر دیگه خب این اشکالی نیست بعضیا در قرائت سخت میگیرن خب این لازم نیست لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر دیگه خب ما از شما میپرسیم شما جمکران رفتید میگید خیر میگیم بگو خَیر همونه دیگه هیچ فرقی نمی‌کنه پس لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن أَلفِ شَهر درسته.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

وَ إِذَا رَأَوْکَ إِنْ یَتَّخِذُونَکَ إلَّا هُزُواً أَهَذَا الَّذِی بَعَثَ اللهُ رَسُولاً \* إِنْ کَادَ لَیُضِلُّنَا عَن آلِهَتِنَا لَوْ لَا أَن صَبَرْنَا عَلَیهَا وَ سَوفَ یَعلَمُونَ حِینَ یَرَونَ العَذَابَ مَن أَضَلُّ سَبِیلاً [[1]](#footnote-1)

در آیات قبلی هم برخورد مشرکین و ملحدین با رسول اکرم ذکر میشد حالا از جملۀ برخوردهایشان اینه که وقتی تو را می‌بینم خطاب به رسول اکرم شده وقتی اینها تو را می‌بینند تنها برخوردی که با تو دارند اینه که تو را به مسخره می‌گیرند استهزاء می‌کنند تو را اهل منطق که نیستند یه وقت انسان با کسی رو به رو می‌شود که اهل منطقه اهل استدلال است و اهل برهان است و با منطق و برهان صحبت می‌کند خب مطلبیه گاهی با افرادی رو به رو می‌شود که جاهل است و هیچ اهل منطق نیست خب از طرفی دشمن هم هست چی میخواد بکنه منطقی که نیست برهان و استدلال که ندارد بخواد در مقابل اینها بایسته خب قهرا مسخره می‌کنند چون مسخره کردن و استهزا کردن از هر کسی برمیاد دیگه کار مهمی نیست هر آدم پست و فرومایه ای می‌تواند یک شخصیت بسیار عالیمقام را به مسخره بگیرد این مسخره کردن کار مهمی نیست کار اشخاص پست و فرومایه است که می‌توانند شخصیت های عالی را هم به استهزاء بگیرند ولذا در مقابل رسول اکرم می‌فرماید اینها وقتی تو را می‌بینند تو را به استهزاء می‌گیرند یعنی منطق که ندارند در مقابل تو بایستند حرف تو برهانی ست حرف تو وجدانی ست با فطرت انسان سلیم الفطره برابری دارد سازگار است ولی چون اینها اهلش نیستند قهرا تو را به استهزاء می‌گیرند و خود این اثر هم می‌کند وقتی سران یک مثلا قومی کسی را استهزاء کردند مردم عوام عادی هم دنبالشان هستند دیگه قهرا شخصیت او در میان مردم کوبیده میشه خب بله می‌تواند شخصیت کسی را بکوبد با استهزاء با مسخره کردن با دلقک بازی در آوردن این ممکنه ولی این کار را می‌کند وَ إِذَا رَأَوْکَ وقتی تو را می‌بینند إِنْ یَتَّخِذُونَکَ إلَّا هُزُواً هیچ منطقی در مقابل تو ندارند فقط همینه که تو را به مسخره می‌گیرند أَهَذَا الَّذِی بَعَثَ اللهُ رَسُولاً این همون آدمیه که سفیر آسمانی شده؟ به این کیفیت مسخره می‌کنند همینه؟ اون کسی که میگه من از جانب خدا آمده ام دیگه آدم قحطی بود خدا او را بفرسته؟ أَهَذَا الَّذِی بَعَثَ اللهُ رَسُولاً این مسخره نیست أَهَذَا الَّذِی بَعَثَ اللهُ رَسُولاً اهل منطق بودند بعضی ها سوال می‌کردند شما که ادعا می‌کنید از جانب خدا آمدید باید یه آیتی داشته باشید باید یه معجزه ای بله این منطقی ست استدلال درسته اما همین قدر که همین آدمی ست که از جانب خدا سفیر شده أَهَذَا الَّذِی بَعَثَ اللهُ رَسُولاً جملۀ بعدیشان تناقض داره با این جملۀ قبل جملۀ بعدی گفته اند که إِنْ کَادَ لَیُضِلُّنَا عَن آلِهَتِنَا به هم می‌گفتند که مراقب دینتان باشید اگر چنانچه جدی با این برخورد نکنید کم کم دارد از دست ما آلهۀ ما را می‌گیرد معبودهای مقدس ما را از دست ما خواهد گرفت این آیین ما را از بین خواهد برد مراقب باشید جدی با او برخورد کنید خب این خودش تناقض داره اون اولی که می‌گفتند مسخره کنید مسخره است یعنی جدی نیست حرف او چیزی نیست ولش کنید مثلا این کسی نیست که جدی با او برخورد داشته باشید جملۀ بعدی میگه نه جدی باشید مراقب باشید که نکند با حرف های خودش شما را از دینتان منصرف کند و از آیین تان برگرداند تناقض دارد أَهَذَا الَّذِی بَعَثَ اللهُ رَسُولاً یعنی این آدمی نیست که ما بترسیم نکند ما را از این آیین مان دور کند ولی جملۀ بعدی چرا إِنْ کَادَ لَیُضِلُّنَا عَن آلِهَتِنَا این کسی ست که نزدیکه این کار را کند ترس این می‌رود که لَوْ لَا أَن صَبَرْنَا اگر ما مقاومت نکنیم نچسبیم آلهه خودمان را آیین خودمان را محکم نگیریم این کم کم با همین حرفهایش ما را از دینمان برمی‌گرداند إِنْ کَادَ به اصطلاح اهل ادب إن مخففه است یعنی ضمیر شأن بوده که محذوف شده إِنَّهُ کَادَ لَیُضِلُّنَا به این صورت بوده دیگه إِنَّهُ کَادَ لَیُضِلُّنَا عَن آلِهَتِنَا که اینجا ه مثقله مخفف شده ضمیر شأن هم حذف شده إِنْ کَادَ لَیُضِلُّنَا عَن آلِهَتِنَا یعنی این بطور مسلم اینجوریه اگر ما مقاومت نکنیم محکم دین خود را نچسبیم با همین حرف های خودش ما را برمی‌گرداند إِنْ کَادَ لَیُضِلُّنَا عَن آلِهَتِنَا لَوْ لَا أَن صَبَرْنَا عَلَیهَا وَ سَوفَ یَعلَمُونَ بعد خدا تهدیدشان می‌کند به همین زودی خواهند فهمید که وقتی عذاب ما را دیدند می‌فهمند که آیا کی گمراه بوده وَ سَوفَ یَعلَمُونَ حِینَ یَرَونَ العَذَابَ مَن أَضَلُّ سَبِیلاً با این مردم دیگه منطقی نمیشه حرف زد باید تهدیدشان کرد مثل اون قصه ای که قبلا عرض میشد اون آدم گفت که میمیری و میبینی حالا خیلیا حرف میزنی نمیخوای حرف حسابی هم گوش کنی بسیار خب گوش نکن میمیری و میبینی این از این قبیله وَ سَوفَ یَعلَمُونَ حِینَ یَرَونَ العَذَابَ به همین زودی خواهند فهمید موقعی که عذاب ما را دیدند می‌فهمند مَن أَضَلُّ سَبِیلاً گمراه چه کسی بوده بعد هم برای تسلیت و دلداری رسول اکرم أَرَأَیتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ[[2]](#footnote-2)1 تو خیال نکن که حرف تو بی منطقه یا اونها روشن فکرن در مقابل تو این حرفها را می‌زنند نه اونها تابع هوای نفسند هر انسان هوا پرستی مسلم در مقابل یک منطقی که با هوای نفس مبارزه می‌کند دشمنی دارد از این قبیله اینها چون هوا پرستند میخوان به منافع مادی اشان برسند و دین تو را ببینند محدودیت می‌آورد و جلو اهواء نفسانی را می‌گیرد افراط گری ها را اینه که با تو دشمنند تو خیال نکن که حالا حرف تو بی منطقه که اونها روشن فکرن أَرَأَیتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ دیده ای اون کسی که معبود خودش را هوای نفس قرار داده أَفَأَنتَ تَکُونُ عَلَیهِ وَکِیلاً [[3]](#footnote-3) تو می‌توانی از او دفاع کنی و او را به مقصد حق برسانی نه دیگه اون کسی را می‌توانی تو هدایت کنی به مقصد برسانی که خودش حنیف باشه حقیقت خواه باشه اون کسی که بنا دارد قبول نکند وقتی قبول نکند خب هیچکس قبول نمی‌کند تو هم نمی‌توانی. تو هم نمی‌توانی او را به راه بیاوری چون بنا نیست که کسی را اجبار کنند به راهیابی باید هر انسانی با اختیار خودش راه را بیابد اگر کسی دنبال راهیابی هست راهنما که آمد قبول می‌کند اگر کسی نمیخواد به این راه برود حالا هر کسی داد بزنه خواهد رفت از اون راه دیگه.این معلومه أَرَأَیتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ دیده ای اون آدمی که معبودش هوای نفسه أَفَأَنتَ تَکُونُ عَلَیهِ وَکِیلاً آیا تو میخواهی نسبت به او وکیل باشی کارساز باشی و مدافع باشی و او را به سعادت برسانی؟ تو نمی‌توانی.تو را فرستاده ایم که انذار کنی إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ [[4]](#footnote-4)1 لِیُنذِرَ مَن کَانَ حَیًّا [[5]](#footnote-5)2 اون کسی که زنده دل است مرده دل نیست و می‌خواهد راستی حیات ابدی بدست بیاورد او را می‌توانی انذار کنی اما اون کسی که مرده دله اصلا نمی‌خواهد به راه بیاید تمام انبیاء هم بیان تمام کتب آسمانی هم ملائکه هم بیان اونها را نمی‌توانند هدایت کنند أَفَأَنتَ تَکُونُ عَلَیهِ وَکِیلاً تو نمی‌توانی وکیل اونها باشی مدافعشان باشی کارسازشان باشی به هدف حق برسانی چرا؟ چون مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ چون معبودش هوای نفسشه هر چه با هوای نفسش منطبق شد می‌پذیرد هر چه که مخالف شد نمی‌پذیرد بعدش آخرش فرمود أَم تَحسَبُ أَنَّ أَکثَرَهُم یَسمَعُونَ أَو یَعقِلُونَ [[6]](#footnote-6)3 تو خیال می‎کنی که اکثر این مردم گوش شنوای حق دارند یا فهم درّاک حق دارند؟ نه اکثرا نه عقل دارند نه گوش شنوا دارند. أَم تَحسَبُ أَنَّ أَکثَرَهُم یَسمَعُونَ أَو یَعقِلُونَ اکثر چنین اند روز قیامت دادشان از اینه قَالُوا لَوْ کُنَّا نَسمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا کُنَّا فِی أصحَابِ السَّعِیرِ [[7]](#footnote-7)4 روز قیامت هم در جهنم فریادشان بلند میشه ای کاش ما در دنیا یه عقل درست حسابی داشتیم یا گوش شنوا از گویندگان حق داشتیم.در دنیا نه خودمان که فهمنده بودیم و نه دنبال فهمنده ها رفتیم و نتیجۀ کارمان این شد که سر از جهنم درآوردیم قَالُوا لَوْ کُنَّا نَسمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا کُنَّا فِی أصحَابِ السَّعِیرِ اینجا هم فرمود که أَم تَحسَبُ أَنَّ أَکثَرَهُم یَسمَعُونَ أَو یَعقِلُونَ تو می‌پنداری که اکثر مردم عقلی دارند که خودشان بفهمند و حق را درک کنند یا گوش شنوایی دارند که از اهل حق بپذیرند اکثر اینجورند نه عقل حسابی دارند نه گوش شنوایی دارند اقلیتی هستند وَ قَلِیلٌ مِن عِبَادِیَ الشَّکُورُ [[8]](#footnote-8)5 اقلیتی هستند هم خودشان فهمنده اند اگر هم فهمنده خودشان عقلشان رشید نیست حداقل از عقل های رشید می‌پذیرند حرف ها را. أَم تَحسَبُ أَنَّ أَکثَرَهُم یَسمَعُونَ أَو یَعقِلُونَ إِنْ هُم إِلَّا کَالْأَنْعَامِ بَل هُم أَضَلُّ سَبِیلاً [[9]](#footnote-9)6 اینها تنها شباهتشان با چهار پایانه بَل هُم أَضَلُّ سَبِیلاً بلکه فرموده ای از چهار پایان هم گمراه ترند چون چهار پا که عقل ندارد بگیم ضایع کرده غریزه دارد روی غریزه حرکت می‌کند همون غریزه ای که خدا در وجودش قرار داده دنبال همون می‌رود مسلمه همون الاغ هم در عالم خودش مسلم است یعنی تسلیم شده در مقابل همون قانون خدا منتهی قانون خدا در مقابل یک گوسفند یک الاغ همون غریزه است دنبال غریزه می‌رود دیگه اما انسان تنها غریزه نیست عقل دارد چون عقل دارد عقل را ضایع کرده این از چهار پا کمتره.چهار پا هیچ یک از نعمت های خدا را ضایع نکرده اونچه خدا به اون داده همون را اجرا کرده شاکر هم هست هر حیوانی در مقابل خالقش شاکره و مطیعه و مسلمه تنها انسان است که در مقابل خالقش شاکر نیست شیطان هم گفت لَا تَجِدُ أَکثَرَهُم شَاکِرِینَ [[10]](#footnote-10)1 من کاری می‌کنم که اکثر این مردم شاکر نباشند ولذا از چهار پایان کمتره گمراه تره بَل هُم أَضَلُّ سَبِیلاً چهار پا هم از غرائضش تبعیت می‌کند به حق هم تبعیت می‌کند ولی ضرری هم به دیگران ندارد این انسان است که وقتی به دنبال هوای نفس برود چه بدبختی ها به بار می‌آورد چه بسیار جوانهایی در اثر یک لحظه اتباع الهوی یک عمر بدبختی ها دامن گیرشان شده به زندان ها افتاده اند بالای چوبۀ دار رفته اند به انواع و اقسام بیماری ها مبتلا شدند در اثر یک لحظه پیروی از هوای نفس این انسان است از هوای نفس تبعیت می‌کند ملتها را به خاک و خون می‌کشد که هیچ حیوانی چنین کاری نمی‌کند آیا درسته که قرآن فرموده بَل هُم أَضَلُّ سَبِیلاً انسانهای منحرف از حق اینها از چهارپایان کمترند ولذا این حدیث هم داریم که فرمود مَا تَحتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِن إلهٍ یُعبَدُ مِن دُونِ اللهِ أعظَمَ عِندَ اللهِ مِن هَویً مُتَّبَعٍ [[11]](#footnote-11)2 زیر این آسمان روی این زمین هیچ معبود باطلی که غیر خدا عبادت شده بزرگ تر از این هوای نفس نیست.در دنیا خیلی چیزها معبود واقع شده اند باطل شده اند گوساله معبود واقع شده مثلا یا آفتاب معبود واقع شده دریا معبود واقع شده اما در میان همۀ این معبودهای باطل هوای نفس از همه بزرگتره و از همه هم بیشتر عابد دارد عبادت کننده دارد ما اگر دقت کنیم در زندگیمان خیلی عبادت هوای نفس می‌کنیم الهَوی عَدُوُّ العَقلِ [[12]](#footnote-12)3 دشمن عقل هوای نفسه الهَوی أَصلُ المِهَن پایه و اساس رنج ها محنت ها بدبختی ها در دنیا هوای نفسه.عرض شد بسیاری از آبرومند ها در اثر یک اتفاق از هوای نفس به رسوایی و فضاحت کارشان منتهی شده لَا دینَ مَعَ هَوی \* وَ لَا عَقلَ مَعَ هَوی هوای نفس که حاکم شد عقل کار نمی‌کند دین در حولۀ وجود او حکومتی ندارد ولذا می‌فرمود که إنَّ أَخوَفَ مَا أَخَافُ عَلَیکُمُ اثْنَانِ [[13]](#footnote-13)4 اونی که زیاد من بر شما ترس دارم دو چیزه اتباع الهوی و طول العمل آرزوهای طولانی و پیروی از هوای نفس که این دو چیز من ترس دارم رسول خدا می‌فرمود که بعد از من دامن گیر شما بشود کَم مِن نَظرَةٍ جَلَبَت حَسرَةً [[14]](#footnote-14)5؛ فَرُبَّ کَلِمَة سَلَبَت نِعمَةً [[15]](#footnote-15)6 یک نگاه چه بسا باعث می‌شود که حسرتها دنبال می‌آورد یک نگاه می‌کند نگاه نامرضی دل می‌دهد و دنبال همون دل رفته و نگاه رفته می‌رود به بدبختی ها و تباهی ها کشیده می‌شود چه بسا یک نگاه حسرت یک عمر برایش می‌آورد یک کلمه نعمت ها را از انسان سلب می‌کند کَم مِن نَظرَةٍ جَلَبَت حَسرَةً فَرُبَّ کَلِمَة سَلَبَت نِعمَةً خب پس این چند آیه ای که ترجمه و بحث شد.مطلبی عرض می‌کنم گرچه مهم نیست خیلی و قابل ذکر هم نیست ولی خب در عین حال گفتنش شاید بد نباشه بنده در اثر یک وضعی که برام در زندگی ام پیش آمده ناچار شدم که تغییر منزل بدم و از این جا به یک گوشۀ دیگری از تهران که یه قدری با این مسجد فاصله دارد به اونجا منتقل بشم البته این بر خلاف میل و رغبت باطنی خودم بوده ولی گاهی مقدرات خدا جوری ست که انسان را از مسیری که خودش با میل خودش انتخاب کرده برمی‌گرداند و این مسئلۀ تغییر منزل ما هم خیلی وقت بود مطرح بود پانزده شانزده سال از اوایل انقلاب مطرح بود ولی خودم استنکاف داشتم امتناع می‌ورزیدم می‌گفتم من احساس تکلیف شرعی نمی‌کنم در این قسمت برای اینکه هم منزلی که دارم مناسبه و هم محل سکونت اون منطقه ای که هستم بسیار مناسبه هم مسجدی که هستم بسیار مناسبه از این جهت من تکلیف شرعی ندارم که از اینجا تغییر منزل بدهم ولی تا اینکه از سه سال قبل به این طرف یه جریانی در زندگی خانوادگی ما پیش آمد که ما مختل شد زندگی ما دگرگون شد و اکثر آقایان هم اطلاع دارند یه بیماری صعب العلاجی در خانوادۀ ما بوجود آمد هر دری زدیم دارو ودرمان و دعا و خیلی هم تشکر می‌کنم از آقایان دوستان و سروران عزیز خیلی دعاها داشتند توسل داشتند از این جهت ممنون و متشکرم ولی خب گاهی نمیشه خداوند تقدیری داشته باشه تقدیر خدا را با هیچ کاری نمیشه جلوشو گرفت حالا بهرحال کار به اینجا منتهی شد که ما دیدیم چاره ای نیست یعنی مقدر خدا به اینجا منتهی شد که تغییر منزل بدیم از اینجا به جای دیگر البته این برای من هم مشکلاتی دارد تغییر منزل در مدرسۀ آیت الله مجتهدی درس و بحث دارم و دوست ندارم که تعطیل بشه و هم شب های یکشنبه هیأت دارم اینجا و همین جا مسجد نماز و منبر و اینها ولذا مشکلاتی هست که راه دور شده ولی خب گاهی پیش میاد دیگه چاره ای نیست و ناچار انسان باید رضا به قضای خدا بدهد و در مقابل تقدیر خدا تسلیم باشه و عمدۀ مطلب همین بود که این تدبیر خود بنده هیچ نقشی نداشته در این قسمت و یا تدبیر فردی یا افراد دیگری نقشی نداشته و جز تقدیر خدا برای من ثابت شد که موثر نبوده فقط تقدیر الهی بوده گاهی اوقات یه حوادثی پیش میاد که عرض شد از مسیری که داره قهرا دور میشه حالا بهرحال این شده که ما تغییر منزل داده ایم و منتهی سعی می‌کنم تا آنجا که مقدورم باشه برسم به مسجد حداقل عرض کردم به آقایان رفقا و دوستان حداقل بطور مسلم شب های شنبه سعی می‌کنم که تعطیل نشود حالا یک مقدار می‌توانم قول بدهم که شب های شنبه تا اونجا که مقدورم هست بتوانم برسم ولی در عین حال حالا هر جا که باشیم اون شرف و افتخار ما اون خدمتگذاری به آستان مقدس قرآن و عترته دیگه افتخار ما همینه که بگیم امام حسین علیه السلام و اونچه که داریم از در خانۀ امام حسین داریم یعنی گاهی عرض می‌کنم که یا مولای یا ابا عبدالله الحسین ما هیچی در دنیا نداریم در دنیا هر چه هست برزخ و محشر اگر یه آبرویی هست اگر شرف و عزتی هست این همان غباری ست که از آستان اقدس شما به چهرۀ جان ما نشسته به واقعش غیر این نیست غباری نشسته ما خودمان به واقعش نمی‌توانیم بگیم که ما نوکر امام حسینیم این حق ما نیست یعنی ما ارزۀ این کار را نداریم.نوکر امام حسین اولیاء خدا هستند ما بله نوکر نوکر نوکر اون گرد خاک پایشان به ما رسیده اگر باشد چنین همینه یه غباری از زیر پای نوکر نوکر نوکر امام حسین علیه السلام روی ما نشسته اگر چنانچه احترامی هست همینه ولذا از خدا می‌خواهیم که به حق خود امام حسین این غبار را در دنیا و برزخ و محشر از ما سلب نکند و سایۀ امام حسین بر سر ما مستدام بدارد اون سه تا بیتی که منصوب به مرحوم نظام رشتی که هست معروفه ایشان می‌فرمودند زبان حال همۀ ما اینه

من از کودکی عاشقت بوده ام یا ابا عبد الله الحسین واقعا زبانحال همۀ ما اینه

 من از کودکی عاشقت بوده ام قبولم نما گرچه آلوده ام

ما هم آلوده ایم بنده به سهم خودم آلودگی مان فراوانه ولی در عین حال شرف ما همینه که از همونی که چشم باز کردیم خودمان را در خانۀ امام حسین می‌بینیم

 من از کودکی عاشقت بوده ام قبولم نما گرچه آلوده ام

 بهنگام پیری مرانم ز پیش که صرف تو کردم جوانی خویش

 مبادا برانی مرا از درت به پهلوی بشکستۀ مادرت

ایام ایام عزای ولی عصر ارواحنا فداه است چون روز اول این ماه یا شب هشتم این ماه روز هشتم این ماه شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است ساعت آخر عمر امام عسکری علیه السلام آخر شب بود آب خواستند برای وضو خودشان نمی‌توانستند برخیزند که وضو بگیرن در سن بیست و هشت سالگی امام عسکری علیه السلام بیست و هشت سال از عمرش رفته جوانه اما اون سمی که دادند انقدری موثر بود که نمی‌توانست از جا برخیزد در بستر که نشسته بود آب آوردند دستمالی روی دامنش پهن کرد روی همون وضو گرفت بعد هم روی بستر نماز صبح را خواندند بعد از نماز صبح به فرزند بزرگوارشان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه دستور دادند که آب بیار آب برای خوردن وقتی آب آوردند دادند به دست امام نمی‌توانست ظرف آب را نگه دارد ظرف آب به دندان های مبارک امام می‌خورد خطاب کرد به فرزندشان یا سید أهل بیتی اسقنی ای سرور خاندانش مرا سیرابم کن ولذا امام عصر ارواحنا فداه جام آب را گرفت به لبهای پدر نزدیک کرد پدر را سیراب کرد بعد از خوردن آب در کنار فرزند بزرگوارش به عالم قدس ارتحال پیدا کرد اما امام مولای ما حسین علیه السلام او هم آب خواست امام عسکری آب خواست و از دست فرزندش آب خورد ولی امام حسین هم در اون لحظات آخر که در گودال قتلگاه افتاده بود زبان به کندی در دهان می‌چرخید لبها مانند چوب خشک بهم می‌خورد نفس می‌کشید خون از حلقه های زره می‌جوشید در همان حال صدا می‌زد یا قوم اسقونی شربة من الماء

 مهمان آمدم و تشنه لبان کشته شدم از شرار صم اسبان تن عریانم سوخت

صلی الله علیک یا ابا عبدالله الحسین صلی الله علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک

پروردگارا به حرمت امام حسین علیه السلام در فرج امام زمان تعجیل بفرما

گناهان ما را بیامرز

توفیق بندگی با خلوص نیت به ما عنایت بفرما

محبت اهل بیت عصمت را در دل ما بیافزای

نسل ما را محب اهل بیت قرار بده

بیماران ما شفای عاجل عنایت بفرما

حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

رحم الله من قرء الفاتحة مع الصلوات

1. . سورۀ فرقان، آیۀ 42 [↑](#footnote-ref-1)
2. 1.سورۀ فرقان، آیۀ 43 [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان [↑](#footnote-ref-3)
4. 1 .سورۀ رعد، آیۀ 7 [↑](#footnote-ref-4)
5. 2. سورۀ یس، ایۀ 70 [↑](#footnote-ref-5)
6. 3 . سورۀ فرقان، ایۀ 44 [↑](#footnote-ref-6)
7. 4. سورۀ ملک، ایۀ 10 [↑](#footnote-ref-7)
8. 5. سورۀ سبأ، آیۀ 13 [↑](#footnote-ref-8)
9. 6. سورۀ فرقان، ایۀ 44 [↑](#footnote-ref-9)
10. 1.سورۀ اعراف، آیۀ 17 [↑](#footnote-ref-10)
11. 2.الدرّ المنثور، 261/6 [↑](#footnote-ref-11)
12. 3. شرح غرر، ج1، ص 68 [↑](#footnote-ref-12)
13. 4. نهج البلاغه، خطبۀ 42 [↑](#footnote-ref-13)
14. 5. بحار الانوار، ج 71، ص 293 [↑](#footnote-ref-14)
15. 6. نهج البلاغه، حکمت 381 [↑](#footnote-ref-15)